

کلیسای آزاد شهر اولتسن
خلاصه ای از موعظه روز یکشنبه تاریخ ۲۵/۰۲/۲۰۲۴

درود بر خواهر و برادران فارسی زبان عزیز،
به موعظه امروز خوش آمدید،

خوشحالم که موعظه این یکشنبه را می خوانید! من امیدوارم و دعا می کنم که شما عیسی را بهتر و بهتر بشناسید:
همه ما به آن نیاز داریم!

بعضی از شماها دعا کردن را با اسلام شناختید، طوری که در آنجا برای دعا کردن حرفهای خاصی باید زده بشود یا حرکات مشخصی باید انجام شود (نماز خواندن). اما هر کسی در هر شرایطی میتواند با عیسی حرف بزند. نیازی به کلمات خاصی ندارد. او از تو میخواهد تا حرف دلت را به او بزنی. اگر در حال حاضر ناامیدی در دل شما وجود دارد، می توانید آن را فریاد بزنید! او از شما صداقت و وضوح می خواهد.

عجیب به نظر می رسد؟ امروز از داستان یک مرد نابینا چیزهایی یاد می گیریم. او در جریکو زندگی می کند. این شهر قدیمی ترین شهر مسکونی جهان است و در اسرائیل واقع شده است. شهری است با دیوارهای محکم. در حدود 1400 ق.م در قرن چهارم قبل از میلاد، قوم اسرائیل از صحرا بیرون آمدند و خداوند به آنها کمک کرد تا این دیوارها را با قدم زدن در اطراف آنها و صداهای بلند فرو بریزند. (خیلی جالب است! جزایا فصل 2 و فصل 6!) اما 1400 سال بعد، دیوارها دوباره فرو می ریزند زیرا کسی صدای خود را بلند می کند و فریاد می زند. اما دیوارهای دیگری نیز وجود دارد. این دیوارها دیوارهای بیماری و ناامیدی هستند. در اینجا داستان را از لوقا 43-35:18 می خوانیم:

35 ایشان در طی راه به نزدیکی شهر اریحا رسیدند. در کنار راه، کوری نشسته بود و گدایی میکرد.

36 چون صدای رفت و آمد مردم را شنید، پرسید: «چه خبر است؟»

37 گفتند: «عیسای ناصری در حال عبور است!»

38 بلافاصله فریادکنان گفت: «ای عیسی، ای پسر داوود، بر من رحم کن!»

39 آنانی که پیشاپیش عیسی میرفتند، سعی کردند او را ساکت کنند، اما مرد کور هر بار صدایش را بلندتر میکرد و فریاد میزد: «ای پسر داوود، به من رحم کن!»

40-41 وقتی عیسی به آن محل رسید، ایستاد و گفت: «او را نزد من بیاورید!» چون او را نزدیک آوردند، از او پرسید: «چه میخواهی برای تو انجام دهم؟» جواب داد: «سرور من، میخواهم بینا شوم.»

42 عیسی فرمود: «بسیار خوب، بینا شو! ایمانت تو را شفا داده است!»

43 همان لحظه آن کور، بینایی خود را باز یافت و در حالی که خدا را شکر میکرد، به دنبال عیسی به راه افتاد. وقتی مردم این ماجرا را دیدند، همگی خدا را ستایش کردند.

کور بودن! عجیب و وحشتناک است! مرد نابینا بیمه درمانی ندارد. او نمی تواند کار کند، فقط می تواند کنار خیابان گدایی کند. وقتی سر و صدا و هیاهو را شنید، می پرسد چه خبر است، شخصی به او توضیح می دهد که عیسی می آید. مرد کور احتمالاً قبلاً در مورد عیسی شنیده است. حالا او می خواهد از فرصت استفاده کند و امیدش این است: «!که توسط عیسی شفا یابد. به همین دلیل با صدای بلند ندا می دهد: «عیسی پسر داوود، به من کمک کن

پسر داوود» عنوان مهمی در اسرائیل است. داوود، پادشاه بزرگ، در هزار سال قبل از میلاد می زیست که خداوند به او وعده داد که یکی از فرزندان او همیشه بر تخت سلطنت خواهد نشست. بنی اسرائیل از آن زمان در انتظار این پادشاه بزرگ بودند. یهودیان امروز نیز منتظر او هستند. اما ما معتقدیم که عیسی مسیح آن پادشاه است. مرد کوری که در کنار جاده در اریحا بود نیز این را باور کرد، اما مردمی که همراه عیسی بودند آزرده شدند و به او گفتند

ساکت باش. اما مرد نابینا می داند: عیسی تنها شانس او است! به همین دلیل بلندتر فریاد می زند. او ناامیدی و نیاز خود را فریاد می زند. به تنها کسی که می تواند به او کمک کند

چطور دعا کنیم؟ آیا ما به دنبال کلمات مودبانه و شیک و زیبا هستیم؟ یا به عیسی می گوییم که چه در دسر و ناامیدی داریم؟ ما می توانیم با او صادق باشیم! او این را خیلی بهتر از این دوست دارد که ما مودبانه به او نزدیک شویم. مرد نابینا برای خواسته خود حاضر است شرف و غرور خود را زیر پا بگذارد. این تمام چیزی است که او دارد. او در خطر عدم محبوبیت و عدم دریافت صدقه است. اما او آماده است تا از همه چیز برای ملاقات با عیسی مسیح استفاده کند. چي با خودش فکر کرد که تصمیم به صدازدن عیسی گرفت؟ برای مرد نابینا، موانعی وجود داشت که او را از ملاقات عیسی باز داشت: جمعیت. شرف. شهرت در بین مردم وقتی به عیسی نیاز دارید چه موانعی بر سر راه شما قرار می گیرد؟ غرور می تواند برای برخی افراد مانع باشد. غرور به من می گوید: «خودت می توانی زندگی را به خوبی سازماندهی کنی! شما به هیچ کمکی نیاز ندارید! تو ضعیف نیستی! هرکس ضعفش را بپذیرد، آبروی خود را از دست می دهد!» ترس می تواند مانعی برای برخی افراد باشد. ترس از افراد دیگر. ترس از خدا - در اسلام و متاسفانه گاهی در کلیساهای مسیحی به مردم گفته می شود که باید از خدا بترسند. چه هولناک

عیسی به ما نشان می دهد: خدا پدر مهربان ماست! ما نباید از او بترسیم! عیسی در اریحا توقف می کند. شاید خسته است، شاید در یک گفتگوی مهم است، شاید عجله دارد. اما او می شنود که شخصی نیاز به کمک دارد، بنابراین خوشحال است که برای او وقت بگذارد! او درباره شفای خود بسیار شنیده است. آیا او دارویی دریافت خواهد کرد؟ آیا ابتدا گنااهش بخشیده می شود؟ آیا عیسی دستش را روی چشمانش می گذارد؟ آیا او یک کلمه معجزه آسا میگوید؟ اما مرد کور انتظار کاری را نداشت که عیسی انجام می دهد. عیسی می پرسد: «میخواهی چه کار کنم؟» آیا عیسی نمی داند که کور است؟ آیا کاملاً مشخص نیست که مشکل او چیست؟ این چه شفا دهنده ای است که این را نمی داند؟ برای من، این یکی از سوالات مورد علاقه عیسی است. عیسی از ما می خواهد که به وضوح به او بگوییم چه می خواهیم.

برادران و خواهران ایرانی عزیز، شما بیشتر از ما در آلمان تعارف یاد گرفته اید. آیا گاهی اوقات از روی ادب به عیسی نمی گویید که از او چه می خواهید؟ بعضی اوقات تجربه این را دارم که سوالی را از عیسی می پرسم بعدش باید لبخند بزنم. چون با اینکه می خواستم از او شکایت کنم، می خواستم به دردهای من گوش دهد. اما من اغلب انتظار نداشتم که او بتواند - و بخواهد - مشکلات من را حل کند! پس: به عیسی بگو چه نیازی داری و چه مشکلی داری و از او چه می خواهی!

مرد نابینا از این که مجبور شد به عیسی بگوید ناراحت نشد. او می خواهد دوباره بتواند ببیند. او این را به عیسی می گوید و او را تنها با یک کلمه شفا می دهد! او شادی می کند و خدا را ستایش می کند و از عیسی پیروی می کند. عیسی چیز مهم دیگری را به او می گوید: «ایمانت تو را نجات داد.» شفا از لحظاتی شروع شد که مرد نابینا اعتماد کرد که عیسی آدرس درست است! پشتکار بی امان او کمک کرد. اگر به عیسی اجازه عبور می داد، شفا نمی یافت. مرد نابینا اکنون می تواند ببیند. اما او می توانست از قبل به خوبی ببیند، بهتر از بسیاری از مردم: او می توانست ببیند که عیسی مسیح نجات دهنده، پسر داوود است، و این که ارزش درخواست کردن را دارد. بنابراین دیوارهای اریحا دوباره فرو می ریزند. دیوارهای نامرئی چون کسی به خدا توکل دارد. زیرا کسی جرأت می کند عیسی مسیح را صدا کند و به او بگوید که چه نیازی دارد.

من امیدوارم که شما شجاعت داشته باشید که به عیسی مسیح به وضوح آنچه را که می خواهید بگویید. با ما همراه باشید تا ببینیم او چه خواهد کرد.

آمین